



قدم به قدم، همراه دانشجو...

WWW.GhadamYar.Com

جامع ترین و به روزترین پرتال دانشجویی کشور (پرتال دانش)
با ارائه خدمات رایگان، تحصیلی، آموزشی، رفاهی، شغلی و...
برای دانشجویان

- (۱) راهنمای ارتقاء تحصیلی. (کاردانی به کارشناسی، کارشناسی به ارشد و ارشد به دکتری)
- (۲) ارائه سوالات کنکور مقاطع مختلف سالهای گذشته، همراه پاسخ، به صورت رایگان
- (۳) معرفی روش های مقاله و پایان نامه نویسی و ارائه پکیج های آموزشی مربوطه
- (۴) معرفی منابع و کتب مرتبط با کنکورهای تحصیلی (کاردانی تا دکتری)
- (۵) معرفی آموزشگاه ها و مراکز مشاوره تحصیلی معتبر
- (۶) ارائه جزوات و منابع رایگان مرتبط با رشته های تحصیلی
- (۷) راهنمای آزمون های حقوقی به همراه دفترچه سوالات سالهای گذشته (رایگان)
- (۸) راهنمای آزمون های نظام مهندسی به همراه دفترچه سوالات سالهای گذشته (رایگان)
- (۹) راهنمای آزمون های کارشناسان رسمی دادگستری به همراه سوالات سالهای گذشته (رایگان)
- (۱۰) آخرین اخبار دانشجویی، در همه مقاطع، از خبرگزاری های پربازدید
- (۱۱) معرفی مراکز ورزشی، تفریحی و فروشگاه های دارای تخفیف دانشجویی
- (۱۲) معرفی همایش ها، کنفرانس ها و نمایشگاه های ویژه دانشجویی
- (۱۳) ارائه اطلاعات مربوط به بورسیه و تحصیل در خارج و معرفی شرکت های معتبر مربوطه
- (۱۴) معرفی مسائل و قوانین مربوط به سربازی، معافیت تحصیلی و امریه
- (۱۵) ارائه خدمات خاص ویژه دانشجویان خارجی
- (۱۶) معرفی انواع بیمه های دانشجویی دارای تخفیف
- (۱۷) صفحه ویژه نقل و انتقالات دانشجویی
- (۱۸) صفحه ویژه ارائه شغل های پاره وقت، اخبار استخدامی
- (۱۹) معرفی خوابگاه های دانشجویی معتبر
- (۲۰) دانلود رایگان نرم افزار و اپلیکیشن های تخصصی و...
- (۲۱) ارائه راهکارهای کارآفرینی، استارت آپ و...
- (۲۲) معرفی مراکز تایپ، ترجمه، پرینت، صحافی و ... به صورت آنلاین
- (۲۳) راهنمای خرید آنلاین ارزی و معرفی شرکت های مطرح
- (۲۴)



WWW.GhadamYar.Ir

۰۹۱۲ ۳۰۹۰ ۱۰۸

WWW.PortaleDanesh.com

باما همراه باشید...

WWW.GhadamYar.com

WWW.GhadamYar.Org

۰۹۱۲ ۰۹ ۰۳ ۸۰۱

نام درس:

جزای اختصاصی^۳

رست نویسی طابقی و سراجیان

نام استاد:

باوی

فتو کپی و زیر آکس کشور

روبروی دانشگاه آزاد اسلامی

C.z.k

- همه جرائم برابر ایجاد به موجب قانون دارای شرایط هستند که در صورت تحقق این شرایط است که جرم محقق می شود. به این ویژگی ها و شرایط عناصر اختصاصی جرائم گویند

- موضوع حقوق جزا اختصاصی بررسی این شرایط اختصاصی است. در ج ج ا خ جرائم را به اعتبار سه عنصر ا مادس ۲ قانون ۳ معنوی بررسی می کنند.

- در حقوق جزا اختصاصی ا جرائم علیه اشخاص یعنی جرائمی را که تمامیت جسمانی و روان اشخاص را مورد تهدید و آسیب قرار می دهد مورد مطالعه قرار می دهیم مثل قتل، ضرب و جرح

- در ج ج ا خ ۲ آخ دلمته از جرائم که علیه اموال و ماکللیت اشخاص صورت می گیرد مثل طاهیدارک و سرقت را بررسی می کنیم

- موضوع حقوق جزا اختصاصی ۳ جرائم است که علیه امنیت و آسایش عمومی کشور صورت می پذیرد و به عبارت دیگر آخ دلمته جرائمی که ضرر وارده ناشی از آخ متوجه اجتماع و عموم بوده و این جامعه است که از آخ متضرر می شود. مثل: جاسوسی - جعل اسناد ...
در این جرائم هر چند اشخاص هم متضرر می شوند اما زیان جامعه بیش از اشخاص بوده و زیان مستقیماً به جامعه و امنیت و آسایش عمومی ضرر می رساند.

- یکی از وظایف مهم قضات اقدام به تجزیه و تحلیل عناصر اختصاصی بوده تا بتوانند تعیین کنند آیا عمل اتفاق افتاده جرم هست یا نه و در صورتی که جرم باشد ثابت کنند که چه جرم است یعنی مطابق با کدام ماده قانون بوده و مجازات آن عمل چیست.

- در تشخیص جرائم از دو ضابطه عینی و ذهنی باید استفاده کرد.
ضابطه عینی: نفس عمل ذاتاً مضرب و آسیب زنده است و نیاز نیست که قصد مرکب را در نظر بگیریم مثل سوء قصد به جان رئیس جمهور

ضابطه ذهنی: ذاتاً آسیب وارده نمی کند مگر به قصد آسیب رساندن باشد

مثل جعل اسکناس که اگر به قصد بزه امنیت باشد جرم است

جلسه دوم

برائتم علیه امنیت و آسایش عموم: به جرائمی گفته می شود که مرتکب باهدف و منظور آسیب و زیان رساندن به حکومت و نظام حاکم مرتکب می شود. جرائمی که به اساس حکومت آسیب می زند. مثل سوء قصد به مقامات سیاسی.

حقوقدانان این جرائم را به دو دسته تقسیم می کنند: (۱) علیه امنیت داخلی (۲) علیه امنیت خارجی

برائمی که اساس و پایه نظام و حکومت را در قلمرو داخلی کشور مورد آسیب و تعرض قرار

می دهد برائتم علیه امنیت داخلی گویند مثل تشکیل جمعیت برابر برهم زدنی امنیت،

جرائمی که امنیت کشور در رابطه با سایر کشورها و در خارج از مرزها قلمرو مورد تهدید و

زیان قرار می دهند علیه امنیت خارجی گویند. مثل جاسوسی، همکاری با عناصر بیگانه.

جرائم علیه امنیت داخلی مشتمل بر مجموعه ای از جرائم است که به چند دسته تقسیم می شوند؟

جرائم تشکیل جمعیت های معبرمانه و اذتاب و تباخی برابر ارتکاب جرم علیه امنیت کشور
۱ جرائم فداکاران ۳ جرائم مربوط به سوء قصد به مقامات سیاسی -

اده ۴۹۸ ق.م.ا. این ماده مشمول جرم تشکیل جمعیت برابر برهم زدنی امنیت می شود و این جرم از جمله جرائم علیه امنیت داخلی است.

ررسی ماده: از لحاظ عناصر مادی و معنوی مورد بررسی قرار می گیرد

عنصر مادی: فعل مرتکب ۱ شرایط لازم برای تحقق جرم ۲ نتیجه معبرمانه

فعل مرکب: در ماده ۴۹۸ دو فعل برابر مرکب در نظر گرفته شده است (۱) ایجاد و تشکیل جمعیت

(۲) اداره کردن جمعیت. از لحاظ مادی یک گروه یا تشکل برابر ایجاد نیاز به نشانه خارج از:

تعداد از افراد باشد، دارای تعهداتی باشند، دارای اسامی باشند، محل و مکان برابر

جلسات و حضور داشته باشند، دارای مدیر و سلسله مراتب باشند، علامت و نشان داشته باشند.

- زمانی که گفته می شود جمعیت تشکیل دهد منظور این نیست که باید به ثبت برسد بلکه صرف

ایجادش کافی است. قانون اداره کردن این گروه ها را ماوس با تشکیل آنها می داند.

- شرایط لازم برابر تحقق جرم؛ شرط مهم برابر تحقق این جرم این است که تعداد افراد برابر

تشکیل جمعیت حداقل باید سه نفر باشد. بنابراین اگر کمتر از سه نفر اقدام به تشکیل

گروه نمایند عمل آنها مصداق این جرم نبوده و ممکن است جرم دیگری باشد.

- نتیجه معبرانه؛ جرائم از لحاظ نتیجه به مقید و مطلق تقسیم می شوند.

در ماده ۴۹۸ نتیجه خاصی را به عنوان شرط تحقق بزه در نظر نگرفته و صرف انجام عمل را کافی برابر جرم دانستن آن می داند پس این جرم مطلق می باشد.

عنصر معنوی؛ در این عنصر قصد و هدف مرکب از انجام عمل را مورد بررسی قرار

می دهند. در جرائم عمدی قصد مرکب که همان سوء نیت هست به عام و خاص تقسیم

می شود. سوء نیت عام قصد انجام عمل و سوء نیت خاص خواستن نتیجه معبرانه حاصل

از عمل می باشد.

در این ماده قید شده که اگر تشکیل جمعیت و اداره کردن آن به قصد برهم زدن امنیت کشور باشد، پس زمانی اقدام مرتکبین مصداق ماده ۴۹۸ خواهد بود که هدف آنها برهم زدن امنیت کشور باشد، در غیر این صورت مشمول این ماده نمی شود.

چگونه می توان به هدف و نیت مرتکب پی برد؟ این بر عهده قضات است. از وایلی و

ابزارها موجود متوجه می شوند مثل بعب یا اسلحه ها غیر مجاز و... که بدون شک وجود

این گونه ابزار به هدف برهم زدن امنیت کشور است. پس قضات باید ارزیابی کنند که

نیت منتهی چیست. اهل بربر است اما اگر اینگونه ابزارها را باشد هدف برهم زدن امنیت است.

- مجازات مقرر در ماده ۴۹۸ ق.م.ا. د. نفع است مجاری و تعزیر، قانون انتخاب نفع مجازات را به عهده قاضی گذاشته است و قاضی است که تشخیص می دهد مجاری است یا تعزیر. این اقدام قانونگذار خلاف اصل حقوق است و بعضی از نظریه ها مسوول اینگونه نظر داده اند که اگر جمعیتی که تشکیل می شود دارای نیت و اسلحه باشد هدف آن جرائم علیه امنیت است و مجاری محسوب می شود و اما اگر تشکیل جمعیت در حد اعلامیه و اعتراضات باشد تعزیر است.

- ماده ۴۹۹ ق.م.ا. در این ماده قانون جرم دیگری را در نظر گرفته تحت عنوان عضویت

در گروه ها و شکل های که هدف آنها بر هر زدن امنیت کشور می باشد.

در قانون تعریف خاصی از عضویت داده نشده اما در عرف عضویت به معنای رابطه مازمان

یا ادار بین شخص عضو و گروه یا نهادی است که شخص در آن فعالیت دارد و

موجب ایجاد یک سری تعهد و تکالیف و حقوق و حقوق متقابل برای شخص و گروه می شود

قضات و تواقند بر مبنای عرف به معنای عضویت برآیند. در عضویت تعهدات و تکالیف

وجود دارد که اگر عضو این تعهدات را انجام ندهد و فاقد ویژگی ها و حقوق و تعهدات

باشد نمی توان به آن عضو گفت در حال قاضی باید به نقش شخص در گروه توجه نماید.

کسی که عضو گروه می باشد باید از اهداف گروه آگاهی داشته باشد. (دو شرط عضویت)

در مورد شرط اخیر اصل بر آگاهی شخص عضو است ولی باین حال اثبات خلاف

آن امکان پذیر است. صرف عضویت دلیل بر مجرم بودن نیست. و شخص می تواند ادله

و شاهد بیاورد و از مسئولیت و مجازات رهایی یابد مثلاً ثابت کند که در تصمیمات

مشارکت نداشته یا اینکه حضورش در گروه لزومی اکراه و اجبار بوده است.

توطئه و تبانی:

ماده ۹۱۵ و ۹۱۱ ق.م.ا. ۱۰: موضوع این دو ماده توطئه و تبانی برابر ارتکاب جرم من باشد.

- توطئه و تبانی جرم است که به موجب آن تعدادی از افراد حداقل ۲ نفر برنامه ریزان

من گشته برابر اینکه جرم را در آینده انجام دهند. در واقع برنامه ریزان کردن برابر ارتکاب

جرم است بنابراین صرف برنامه ریزان برابر ارتکاب جرم، حتی در صورتیکه منتهی به انجام جرم

نشود، جرم محسوب است.

- حقوقدانان برابر ارتکاب جرم ۴ مرحله را پیش بینی کرده اند:

۱) قصد و تصمیم برابر ارتکاب جرم ۲) تهیه وسایل و مقدمات جرم

۳) شروع به ارتکاب جرم ۴) نتیجه مجرمانه

از نظر جزائی هیچ کس به صرف تصمیم به ارتکاب جرم معجزات نمی شود و تصمیم موجب

تحقق جرم نمی شود - صرف تهیه و تدارک وسایل و مقدمات برابر ارتکاب بزه، جرم

محسوب نمی شود مگر اینکه من نفسه و به طور مستقل جرم باشد مثل خرید و حمل اسلحه.

از مرحله شروع به جرم است که من توان گفت جرم انجام گرفته است. در این مرحله

تقریبات متفاوتند و مبتنی بر ضابطه حکمی و ضابطه موضوع هستند.

و وقتی هم که نتیجه محقق شود در اصل جرم تحقق یافته.

ماده ۴۱۰، در این ماده قائلند که اگر صرفاً توطئه و تبانی باشد به شرطی که به هدف برهم زدن امنیت کشور باشد حرم دانسته است.

همانطور که دیدیم مراحل انجام بزه چهار تا بودند که توطئه و تبانی در همان مرحله

اول یعنی قصد و تصمیم برابر ارتکاب حرم جاری می‌گیرد. پس بدیهی است که

تصمیم و سایل و شروع به حرم برابر انجام بزه علیه امنیت کشور مصداق ماده ۴۱۰ قرار می‌گیرد

شرایط توطئه و تبانی: (۱) وجود حداقل دو نفر (۲) وجود توافق و تبانی

موضوع تبانی: تبانی که در ماده ۴۱۰ مورد نظر است تبانی برابر انجام بزه علیه

امنیت کشور است بنابراین اگر تبانی شود که حرم علیه شخصی عادی صورت گیرد

مصداق ماده ۴۱۰ نبوده و حسب مورد مشمول ماده دیگری است.

بدین ترتیب موضوع حرم تبانی باید مشمول امنیت کشور باشد.

تفاوت میان ماده ۴۱۰ و ۴۱۱ ق.م.ا: اختلاف این دو ماده در موضوع تبانی است

ماده ۴۱۰ مشمول تبانی علیه امنیت کشور می‌باشد در صورتی که ماده ۴۱۱ تبانی

برابر انجام بزه علیه نفوس و اموال و اعراض مردم می‌باشد.

تفاوت ماده ۴۹۸ و ۴۱۰ ق.م.ا. حداقل تعداد در ماده ۴۹۸ ۳ نفرم باشد اما در

ماده ۴۱۰ دو است - در ماده ۴۹۸ زمانی جرم محقق شده که حزب یا تکل یا

جمعیت یا گروهی تشکیل شده باشد خواه مرتکب جرم بشود یا نشود و با هر عنوان

و اسم باشد یعنی باید یک گروهی تشکیل و با زمانه می شود اما در ماده ۴۱۰ صرف

برنامه ریزی و تصمیم و تبانی برابر جرم محقق شده بدون اینکه نیاز به تشکیل و با زمانه

حزب یا گروهی باشد. البته گفتنی است که در هر دو ماده باید هدف انجام بزه علیه امنیت

جلسه چهارم

جرم تحریک:

ماده ۵۱۲ ق.م.ا. تحریک مردم به جنگ و کشتار برابر جرم زدن امنیت کشور:

درم ۵۱۲ ق.م.ا. این جرم یعنی بسی شده است. این جرم بواسطه تحریک طیف وسیعی از مردم

امر کشتار صورت می گیرد به این ترتیب قانونگذار عمل کسانی که بواسطه تحریک مردم را به

جنگ و امر دارند و از این طریق امنیت کشور را برهم می زنند جرم دانسته و در زمره

جرایم علیه امنیت کشور قرار داده و مستوجب مجازات می دانند. مثل دامن زدن به

اختلافات نژادی با این قید که هدف مرتکب ایجاد ناامنی و وحشت برابر جرم زدن به امنیت کشور باشد.

جایگاه جرم تحریک : قانونگذار اقدام شخصی را که عملش برابر ایجاد جنگ و درگیری بین مردم بوده جرم دانسته و بنا بر این صرف تحریک به جنگ و کشتار را جرم محسوب کرده و مقید به نتیجه خاصی نکرده است. به عبارتی جرم تحریک را جرم مستقل دانسته خواه به نتیجه یعنی کشتار و جنگ برسد خواه نرسد. جرم تحریک مقرر در ماده ۵۱۳ مطلق بوده و تحقق نتیجه مورد نظر قانونگذار نیست.

- تحلیل عنصر مادی تحریک (چه عواملی باید باشد تا تحریک اتفاق بیفتد؟)

در رابطه با عنصر مادی در مرحله اول فعل مرکب که هم تحریک کردن است.

تحریک به معنای به حرکت در آوردن و به جنبش در آوردن است و اصطلاحاً تحریک به معنای آن است که شخص دیگری را به کاری وادارد.

- مصادیق تحریک : یک وقتی معرک با ایجاد طمع در تحریک خواننده اول وادار به انجام عمل می کند که تطبیع گویند - گاهی از طریق برانگیختن احساسات است که گاهی از طریق نیرنگ و ضرب می باشد که اغوا گویند و گاهی بوسیله ترساندن و تهدید و حدیث کردن می باشد -

در مرحله دوم مخاطبان تحریک می باشد که مردم هستند.

در مرحله سوم موضوع تحریک می باشد که جنگ و گسترش بین مردم به هدف برهم زدن

امنیت کشور می باشد. اگر هدفش برابر برهم زدن امنیت نباشد مشمول ماده ۵۱۲ نیست.

عنصر متنوع: در بزه تحریک مشمول ماده ۵۱۲ سوء نیت عام همان قصد ارتکاب

جرم بوده و سوء نیت خاص ناظر به انگیزه و هدف مرتکبین جرم یعنی همان برهم

زدن امنیت کشور می باشد.

تطابق:

م ۵۱۲ ق.م.ا. تحت عنوان تحریک نیروی رزمنده به عصبانیت، فرار یا تسلیم یا عدم انجام وظایف

در تحریک تقامیباً دو دسته از افراد را باید مد نظر قرار داد (الف) نیروهای رزمنده که

به نیروهای سپاه، ارتش و بسیج گفته می شود و از نظر از زمان تعلق به نیروهای

مسلح دارند ب) کسانی که در خدمت نیروی مسلح هستند. بعضی معتقدند شامل افرادی

است که در نهاد پشتیبانی و خدماتی مشغول انجام وظیفه اند مثل کارمندان، پیرنگان

و... و شامل جنگ نمی شوند. عده ای عقیده دارند این افراد فقط شامل آنها می شوند

که رسماً در استخدام نیروهای مسلح هستند و عده ای دیگر معتقدند شامل همه

است چه قراردادی چه پیمانی چه رسمی چه روزمزد و به عبارتی به محور در خدمت نیروی
مسلح باشند.

باید توجه داشت که در رابطه با تحریک نظامی^۱ دو حکم وجود دارد که یکی در ماده ۴۵ ق.م.ا.و دیگر در قانون مجازات نیروها^۲ مسلع^۳ پیش بینی شده است.

حالات تحریک نظامی^۱ (موضوع تحریک نظامیان):

۱) تحریک به فرار ۲) تحریک به تسلیم ۳) تحریک به عصیان ۴) تحریک به عدم انجام وظایف نظامی

از آنجا که نیروی نظامی حافظ امنیت و فکر و کشور است و اینکه تحریک نظامیان

باعث آسیب نیروی نظامی و فرود قانونگذار تحریک نظامیان را از عداد جرائم علیه امنیت می داند.

مجازات مرتکب در حکم تحریک نظامی^۱؛ قانون ۴- حالت را بر اساس دو ضابطه

پیش بینی کرده است؛ دو ضابطه؛

۱) تحریک مؤثر بوده یا نه ۲) تحریک به قصد براندازی نظام (قصد و نیت مرتکب)

۴- حالت ۱) تحریک مؤثر به قصد براندازی نظام

۲) تحریک مؤثر بدون قصد براندازی نظام

۳) تحریک غیر مؤثر به قصد براندازی نظام ۴) تحریک غیر مؤثر بدون قصد براندازی نظام

اگر تحریک مؤثر کند و قصد براندازی حکومت باشد معاربه است. در غیر این صورت معاربه نیست و حسب مورد مجازات دیگر دارد.

م ۱۵۵ ق.م.ا: در این ماده مورد قصد به مقامات سیاسی مورد اشاره واقع شده، این جرم یکی از

جرایم علیه امنیت داخلی می باشد. امروزه این جرم تحت عنوان جرم تروریستی قرار می گیرد.

ترور خود به معنای مورد قصد و کشتن است و معادل انگلیسی مورد قصد ترور می باشد.

در ماده ۱۵۵ قانونگذار هیچ تعریفی از مورد قصد به عمل نیاورده و فقط آن را ذکر کرده.

در قانون قدیم به این صورت که: مورد قصد حالتی است که پس از شروع به عملی که خارج

از اراده مرتکب است بلا اثر بماند. یعنی به این صورت که: هر کس با نیت فساد و مقابله

با حکومت به جان رهبر یا رئیس جمهور مورد قصد نماید و پس از شروع به عملی که خارج از اراده

مرتکب است بلا اثر بماند در حکم محارب است. (م ۱۴ قانون تعزیرات ۱۳۹۲)

عناصر تشکیل دهنده مورد قصد: (۱) فعل مرتکب (۲) شخصیت موضوع جرم

فعل مرتکب: طبق ماده ۱۴ مورد قصد اقدام بر ارتکاب یک شخصیت سیاسی

است چه منتفی به نتیجه مورد نظر شود چه نشود به اصطلاح به این جرم، جرم

عقیم نیز می گویند به لحاظ اینکه به نتیجه دلخواه نرسیده است.

از لحاظ فاعل این مورد قصد همان مفهوم شروع به جرم است چرا که هر چند نیت

مرکب کشتن است ولی موفق نشده است.

مراحل چهارگانه جرم: ۱) قصد و تصمیم بر ارتکاب جرم (۲) تهیه وسایل و مقدمات

(۳) شروع به انجام جرم (۴) نتیجه مجرمانه

شروع و پایان سوء قصد در مرحله سوم یعنی شروع به جرم می باشد.

در مورد زمان آغاز سوء قصد (شروع به جرم) دو نظریه وجود دارد:

نظریه ذهنی: قائل به این است که از موقعی که شخص تصمیم می گیرد جرم انجام دهد

یا وسایل ارتکاب جرم را تهیه کند جرم آغاز شده که بدین است هیچ وقت کسی به

خاطر نیت و تصمیم مجازات نمی شود و هم چنین بخاطر تهیه وسایل و مقدمات جرم،

مگر اینکه آن اقدامات من نفسه جرم باشند.

نظریه عینی: طبق این نظریه جرم موقعی آغاز می شود که مرکب قدم در عملیات

اجرای تشکیل دهنده جرم بگذارد. در حقوق هزار ایران نظریه عینی ملاک است.

در نتیجه سوء قصد از نظر مادی عبارت است از اقدام یا شروع به اقدام بر ارتکاب جرم

تخصیص لباس خواه به نتیجه منتهی شود یا نشود، صرف شروع بر ارتکاب جرم

سوء قصد کافی است.

شخصیت موضوع جرم: در ق تعزیرات سال ۴۲ قانونگذار به دو شخصیت رهبر و رئیس

جمهور اشاره کرده بود ولی قانون جدید مراجع تقلید و روحانی دوقوه قضائیه و

مقتنه را نیز علاوه بر رهبر و رئیس جمهور جزء آکن دسته از افراد من دانده در صورتی

که مورد سوء قصد واقع شوند به منزله مبارزه با حکومت در نظر گرفته است.

درم ۱۴۴ سابق یک شرط وجود است و آکن نیست و هدف فساد و مقابله با حکومت

بود. بنا بر این اگر شخصی جرم را علیه این افراد انجام من داد باید قائل به تمیز

من شدیم بین حالتی که خصومت شخصی بوده یا به هدف مقابله با نظام. اگر هدف

انتقام و خصومت شخصی بود شروع به جرم و اگر برای مقابله با نظام بود، سوء قصد بود.

به هر دو در صورتی که به افراد مشمول ماده ۵۵۵ قانون مجازات اسلامی فعلی

سوء قصد من صورت گیرد به قصد مبارزه و برانداز من حکومت معسوب شده و

در صورتی که به نیت غیر از این باشد شروع به جرم است.

بطور کلی اگر انجام بزه بر علیه اشخاص سیاسی باشد سوء قصد بوده و اگر علیه

اشخاص عادی باشد شروع به جرم من باشد.

م ۵۱۶ ق. ۱۰. م. ۱۰
برابر تحقق سوء قصد موضوع این ماده، قانونگذار شرایط به شرح ذیل در نظر گرفته است؟

(۱) اینکه سوء قصد باید در خاک ایران صورت گرفته باشد پس اگر خارج از ایران صورت پذیرد
مشمول ماده نمی شود.
(۲) در آن کشور نسبت به ایران معامله متقابل باشد یعنی اینکه اگر در کشور خارجی برابر

سوء قصد به جان نمایندگان سیاسی ایران مجازات در نظر گرفته باشند این ماده هم در ایران

قابل اجراء است - (۳) میزان مجازات کشور خارجی با میزان مجازات مقرر در ایران

برابر یا بیشتر باشد پس در صورتی که خفیف تر باشد مجازات خفیف تر در ایران

قابل اجراء است. جرائم جاسوسی

جلسه ششم
جاسوسی: در ق. م. ۱۰. و قانون مجازات نیروها مسلح قانونگذار به جرائم تحت عنوان

جاسوسی اشاره کرده اما هیچ تعریف صریح و روشنی از جاسوسی به دست نداده است

و فقط به صورت تعیین مصداق در پاره اول از مواد این مجرمات با مورد اشاره قرار داده است

طبقه بندی شده
مثل ماده ۵۰۳ ق. ۱۰. م. ۱۰. جاسوسی تحت عنوان ورود به اماکن نظامی برابر بدست آوردن اطلاعات

- چرا قانونگذار تعریفی از جاسوسی به عمل نیاورده؟ حقوقدانان معتقدند که قانونگذار مخصوصاً

و از روی آگاهی تعریفی از جاسوسی نیاورده، دلیل این امر ناشی از فعل مهمانانه جاسوسی است

به خاطر پیچیدگی و تنوع اعمالی که جاسوسی محسوب می‌شوند و هم چنین روش‌های متنوع جاسوسی

من باشد. افراد را که جرم جاسوسی را مرتکب می‌شوند ممکن است از فتون و روش‌ها و

اعمال استفاده کنند که در تعریف قانونگذار از جاسوسی نگنجد و همواره مرتکبین بعضی در

کاربرد روش‌ها و ابزارها پیشرفته می‌کنند. همین امر باعث شده تا قانونگذار جاسوسی

را تعریف نکرده و تنها به ارائه مصادر یعنی چند از اعمال جاسوسی بنماید.

در تعریف ساده جاسوسی عبارت است از تحصیل اطلاعات و اسناد طبقه بندی شده

و تسلیم آن به اشخاص غیر مجاز -

در این تعریف سه عنصر وجود دارد:

۱) فعل مرتکب ۲) موضوع جرم ۳) شخصیت طرف مقابل جاسوسی

فعل مرتکب: در این تعریف به دو فعل اشاره شده (تحصیل - تسلیم). به این ترتیب جاسوسی

بایستی از این افعال یا هر دو در آن واقع می‌شود. به همین اعتبار قانونگذار جرائم جاسوسی

را معمولاً در دو دسته از افعال مادر بیا می‌گذارد که یک دسته مشتمل بر اقدامات جاسوسی

هستند که شخص یا توبل به آنها اطلاعات را جمع آوردن می‌کنند به این افعال اقدامات تحقیقی
نیز گویند مثل وارو شدن به اماکن ممنوعه (ماده ۵۳ ق.م.ا).

دسته دیگر که همان مرحله نهایی است عبارت است از اینکه جاسوس موفق به تسلیم اطلاعات

برسوت آمده به اشخاص غیر مجاز می شود به این دسته از افعال نیز اقدامات تسلیم گویند.

موضوع جاسوسی: موضوع اصلی جاسوس عبارت است از اطلاعات و اسناد طبقه بندی

شده می باشد - منظور از اطلاعات و اسناد طبقه بندی شده امندی است که به خاطر اهمیت و

ارزش امنیتی که دارند افراد غیر مجاز نباید به آن دسترسی پیدا کنند به این اسناد، اسناد سری

و محرمانه هم گفته می شود. همچنین قانون گذار در ارتباط با جاسوسی نظامی علاوه بر اسناد

طبقه بندی شده، آن دسته از اطلاعات و اسنادی که طبقه بندی نشده نیستند اما دارای ارزش

امنیتی هستند و افشای آن موجب زیان و آسیب دفاعی بشود نیز در حکم اطلاعات

طبقه بندی شده محسوب می کنند. مانند جمع آوری اطلاعات موقعیت جغرافیایی یادگان که باعث بروز

شخصیت طرف مقابل جاسوس؛ ناظر به کسی است که از اطلاعات بهره مندی شود در این

رابطه شخص غیر مجاز یا اشخاص فاقد صلاحیت باید مورد توجه قرار گیرند. اطلاعات طبقه بندی

شده باید به اشخاص فاقد صلاحیت یا اشخاص غیر مجاز تسلیم نشود. تفاوتی نمی کند که شخص

ایرانی باشد یا غیر ایرانی. قانون گذار از قید اشخاصی که فاقد صلاحیت است استفاده کرده که

دسترسی به اطلاعات داشته باشند لیکن به داخلی و خارجی و دوست و دشمن بودن شخص

اشاره نکرده و به طور اعم اشخاص فاقد صلاحیت را در نظر گرفته است به جز اشخاص صلاحیتدار

- در یک نظریه مشورتی این طور تعریف شده است:

جاسوسی عبارت است از تحصیل اطلاعات و محرمانه و دادخ آنها به دولت یا کشورها بیگانه اعم از اینکه مرتکب ایرانی باشد یا غیر ایرانی.

در واقع تابعیت آنها تأثیر در جرم ندارد. اما در بعضی کشورها مثل فرانسه تابعیت مرتکب در

نوع جرم مؤثر است بدین ترتیب کسی که فرانسوز و مرتکب جرم جاسوسی می شود خائن به

کشور محسوب است ولی اگر بیگانه اقدام به عمل جاسوسی نماید جاسوس محسوب می شود.

در فرانسه تابعیت یک نقش اساسی دارد که به عنوان عنصر از آن یا در کنیم وقتی تابعیت عوض

می شود نوع جرم هم عوض می شود. این در حالی است که در ایران تابعیت نقشی در این نوع جرم

ندارد چرا که جرم بنام خیانت در ق.م.ا.پس بینی شده است. اما جرم مشابه به خیانت

نحت عنوان همکاری با بیگانگان وجود دارد. در ارتباط با جاسوسی تابعیت مرتکب ملاک

نیست و آنچه اهمیت دارد ماهیت اطلاعاتی است که تحصیل می شوند و باید طبقه بندی شده باشند.

ماده ۳۰ ق.م.ا.ج عمل ورود به اماکن ممنوعه یک عمل جاسوسی محسوب و مجرم است و از نظر

عناصر سه گانه جاسوسی از نظر مادی (فعل مرکب) به دو صورت انجام می شود یا مستقل بر سطح اکویر

اطلاعات است یا تحصیل اطلاعات است. اعمال مشمول در ماده ۳۰ به شرح ذیل اند:

۱) وارد شدن به اماکن ممنوعه براساس جمع اکویر اطلاعات و اسرار نظام و سیاسی و امنیتی، یعنی اینکه

شخص به صورت فیزیکی وارد این اماکن شود به شرطی که به منظور کسب اطلاعات نظام و سیاسی

و امنیتی باشد مشمول مجازات جاسوسی است.

۲) عکس برداری و فیلمبرداری از اماکن ممنوعه و هم چنین نقشه برداری از این اماکن

عنصر معنوی: از این منظر عنصر روانی مرتکب باید مبتنی بر سوء نیت باشد و آن اینکه به نیت

تحصیل و کسب اطلاعات وارد این اماکن شده باشد. ممکن است شخصی از نظر اختیار و وارد

این اماکن شده باشد ولی تحقیق به عمل آید که سوء نیت خاصی بر او کسب اطلاعات نداشته

و فقط از روی ناآگاهی و یا شرایط فورس ماورس وارد یک مکان ممنوعه شده باشد

اگر شخص از روی ناآگاهی وارد منطقه ممنوعه شده، اصل بر این است که به قصد کسب اطلاع است

پس باید ثابت کند که سوء نیت نداشته است یعنی در مرحله اول این عمل مجرم نیست مشروط

به اینکه ثابت کند سوء نیت نداشته و فقط به قصد پناه آوری و وارد منطقه شده است.

قسمت دوم ماده به فعل فیلمبرداری و عکس برداری از مناطق ممنوعه و تقاضا اشاره کرده است

که چون این مناطق امنیتی و اطلاعاتی هستند این افعال می تواند باعث دست یابی به این

اطلاعات شود و در این مورد به هر دلیل باشد جرم است و باید با اجازه مقامات صلاحیتدار

جلسه حکم

م ۵۵ ک ق ۱۰۰.

۵۵ در ارتباط با جمع آوری اطلاعات طبقه بندی شده بحث می کنند این جرم به عملیات اشاره

دارد که تحت عنوان جاسوسی در زمره آن دسته از جرائم است که موجب تحصیل و جمع آوری

اطلاعات می شود به این معنا که این ماده دارای عناصر زیر می باشد:

(ف) عنصر مادی: (۱) فعل مرتکب (۲) موضوع جرم (۳) نتیجه جرم (که در کتاب آمده نشده).

فعل مرتکب: دو دسته فعل در این ماده پیش بینی شده: (۱) جمع کردن و تهیه و تحصیل اطلاعات

طبقه بندی شده (مثل تخلیه اطلاعاتی، ورود و خارج شدن، عکس برداری

(۲) در اختیار دیگران قرار دادن اطلاعات بدست آمده

دسته اول شامل جمع آوری کردن و تحصیل کردن می باشد اقدام به عملی می کنند که به موجب آن

اطلاعاتی است و مصادیق آن متفاوت است -

دسته دوم تسلیم است که به صورت تحویل یک سند مکتوب انجام می شود یا از طریق تلفن و گاهی

اوقات از طریق ارسال یک پیامک یا ایمیل و موارد در این قبیل با آنکه در واقع همه شامل در اختیار گذاشتن است و هم شامل اطلاع رساندن است.

- موضوع جرم، این رکن از عنصرهای جرم دارای اهمیت فراوان است. بر این نکته جرم واقع شود باید اطلاعات طبقه بند شده تسلیم شوند. اطلاعات طبقه بند شده به موجب ماده

۲۱ آیین نامه طرز نگه‌داران اسناد سرچ عبارت اند از معلوماتی که درجست رسی اظهار شده

یا نقایحاً در اختیار اشخاص مجاز گذاشته می‌شود نوع و طبقه اطلاعات را اظهار کرده اگر مستغص می‌کنند.

- نوع و طبقه اطلاعاتی که مأخوذ از اسناد است در حکم همان اسناد است یعنی همان درجه و همان طبقه.

به مضمون و محتوای اسناد، اطلاعات طبقه بند شده گویند یعنی همان محتوا و اسناد اجزا

بین ترتیب منظور از محتوا و اطلاعات طبقه بند شده و مذاکراتی که در حد محرمانه

و سرچ می‌باشند اطلاعات طبقه بند می‌باشند.

نتیجه حاصله: همان‌طور که از متن ماده پیداست حصول نتیجه خامی بر اثر جرم انگاشتن

عمل تویطاقاً فونگذار در نظر گرفته نشده است و جرم مطلق است و صرف تهیه اطلاعات

جرم بوده و اینکه اطلاعات را در اختیار دیگران قرار دهد یا نه فقط از لحاظ میزان مجازات حائز اهمیت است. به این صورت که اگر در اختیار قرار دهد به حسب از

دو تا سه سال و اگر فقط در حد جمع آوری باشد به حبس از یک تا پنج سال محکوم می شود.

شیوه ارتکاب جرم: قانونگذار معیار و ملاک خاصی را تلقی نکرده و بدین ترتیب با قید اینکه

جرم به هر شکلی و به هر صورتی انجام شود جرم خواهد بود. فقط به صورت تمثیلی می توان

گفت بیشتر بر اثر تصریح و روشن شدن مطلب چند شیوه متداول را مورد اشاره قرار داده که

افراد با سوس معمولاً انجام می دهند (با پوشش نظام یا مأمورین دولت یا به نحو دیگری)

این سه روش تمثیلی اند مثل منصوب کردن خود به یک نهاد دولتی یا خود را بازرسی ویژه بنامد.

ولی این شیوه ها و یا هر عنوانی که باشد در جرم تأسیس ندارند و جرم محسوب است.

ب) عنصر معنوی: ارکان عنصر معنوی در جرائم مخدس سوء نیت عام و سوء نیت خاص

است. اینکه شخص با اراده خود جرم را انجام دهد سوء نیت عام و اینکه هدف و نیت او خاص

شخص از ارتکاب جرم چیست سوء نیت خاص.

در این ماده مرکب با اراده و قصد و اختیار اقدام به جمع آوری اطلاعات کرده و هم چنین

تسلیم عوامل غیر مجاز کرده است. سوء نیت خاص مرکب این است که به قصد جرم

زدن آرایش و امنیت کشور این عمل یعنی کسب اطلاعات و تسلیم آنها به عوامل بیگانه را انجام داده باشد.

بدین ترتیب از نظر فن قانون نویسی این ماده دارای مشکل است و آنجاییکه برهم زدن

امنیت کشور را به عنوان هدف خاص مرتکب از انجام بزه قرار داده است در صورتی که لزومی

نداشت قانونگذار این قید را مد نظر قرار دهد ماهیت این اعمال آسیب رسان است.

در رابطه با جاسوسی باید معتقد به نظریه عینی بود چرا که عمل ذاتاً آسیب وارد می کند

اشکال دوم اینکه قانونگذار مقرر کرده هر کس برابر برهم زدن امنیت کشور به هر وسیله ...

جمع آوری کند و چنانچه بخواهد در اختیار قرار دهد و موفق شود ... و در غیر این صورت

به حبس از یک تا پنج سال محکوم می شود. قید در این صورت مبهم است منظورش کدام

حالت است؟ چون قانونگذار دو فرض را در کنار هم آورده منظور کدام است چنانچه

بخواهد مد نظر قانونگذار است یا چنانچه موفق نشود؟ این مبهم است، پس اگر

شخصی اطلاعات را جمع آوری کرد و می خواست به کسی تسلیم کند این جرم نیست ولی این

تفسیر منطقی با تفسیر رایج و باید گفته شود هر کس اطلاعات را جمع آوری کند و در اختیار

دیگران قرار دهد از ۲ تا ۵ سال و اگر موفق نشود از ۱ تا ۳ سال حبس محکوم می شود

اشکال دیگر کلمه دیگران است که شامل همه افراد می شود به جز خود شخص مرتکب جرم،

و نیز شامل افراد مجاز هم می شود بهتر بود می گفت افراد غیر مجاز.

۱. اهتقاق. م. ا. ماده مشتمل بر اقدامات جاسوسی که عنصرها در آنها تسلیم و تعویل اطلاعات است می باشد. این جرم بیشتر متوجه مأمورین و کارمندان دولتی است. خود جرم هنگام وقوع واقع می شود که شخص این اطلاعات را در اختیار دیگران قرار می دهد

عناصر ماده:

۱) فعل مرکب (۲) موضوع جرم (۳) اشخاص غیر مجاز

فعل مرکب: تسلیم کردن که یک عمل مادی بوده و به اشکال متفاوت امکان پذیر است در اختیار گذاشتن و مطلع کردن. یعنی اینکه عین کند و نوشته یا محتویات کند را به دیگران تسلیم یا به اطلاع رسان برسانیم.

موضوع جرم: موضوع جرم در این ماده نقشه ها، اسرار یا اسناد و یا تصمیمات را جویب می است داخلی یا خارجی کشور است. قانونگذار از لفظ اطلاعات طبقه بندی شده

استفاده نکرده چرا که این اطلاعات آنقدر مهم هستند که نباید اشخاص غیر مجاز

به آنها دسترسی داشته باشند. بدین ترتیب نتیجه نگیریم موضوع جرم همان اسناد طبقه بندی شده

هستند زیرا به جز افراد مجاز هیچ کس اجازه اطلاع از آنها را ندارد. مثلاً اگر مأمورین آن را در اختیار دیگران قرار دهد مرکب جرم شده است.

اشخاص غیرمجاز، به عنصر روانی نیاز دارد لکن لکن عام و لکن لکن خاص - لکن لکن عام عبارت

است از اراده و اختیار مرکب در تسلیم اطلاعات و لکن لکن خاص عبارت است از علم و اطلاع

مرکب از ماهیت اسناد و هم چنین سمیت شخصی که اطلاعات در اختیار او قرار می گیرد.

این شخص زمانی معیم شناخته می شود که آگاهی داشته باشد طرف او غیرمجاز است.

به همین دلیل قانون قیود عالمًا و عامدًا بکار برده است.

جلسه هشتم

ماده ۲۵۵ ق.م.ا:

این ماده به جرائم از جاسوسی اشاره می کند که علیه ایران می باشد اما در زمره جرائم جاسوسی

است با شرایط ذیل: (عناصر تشکیل دهنده جرم):

۱) فعل مرکب: اقدام به جاسوسی کرده باشد یعنی عملی که مرکب انجام داده به موجب قوانین ایران

جاسوسی محسوب شود ملاک قانون ایران بوده و قاضی باید تشخیص دهد که آیا عمل انجام شده

جزء موارد جاسوسی هست یا نه.

۲) طرف جاسوسی: جاسوسی علیه ایران نیست و به غیر کشور بیگانه و به لکن لکن کشور بیگانه

دیگر این یک شرط اساسی است. در بقیه موارد جاسوسی علیه کشور بود اما در اینجا جاسوسی

علیه کشور دیگر و به لکن لکن کشور دیگر است. ایران فقط عرصه جاسوسی کشورها علیه هم هستند

در این رابطه منظور از کشور مضموعی است که حسب مورد توجه می باشد پس شامل کشورها و

سازمانها می شود

۳) جاسوس باید در قلمرو ایران واقع شده باشد بنابراین اگر بیرون از قلمرو اتفاق افتاده باشد
حیم محسوب نمی شود.

۴) این عمل باید به گونه ای باشد که به امنیت ملی صدمه وار کند. باید ماهیت و طبیعت عمل به گونه ای

باشد که احتمال ضرر و آسیب وجود داشته باشد ضرر یک ضرر بالقوه و ضرر احتمالی باشد نه

ضرر بالفعل و آنگاه یعنی قاضی بر این نکته عمل را حیم بداند باید از زیان کند که این حیم به گونه ای

هست که منتهی به آسیب و صدمه به امنیت ملی نشود یا نه، مثل ورود ناخواسته به جنگ، موجب

تیرگی روابط سیاسی شود، وجود ناامنی و نقض امنیت عموم کشور (تشخیص این امر با قاضی است)

ماده ۱۵۰ ق.م.ا.د همکاران با عناصر جاسوس در ایران؛

چون که در صدر ماده در نظر گرفته شده مخفی کردن عناصر بیگانه است مخفی کردن یک همکار

با افراد جاسوس محسوب می شود مخصوصاً وقتی که این افراد نیاز به پوشش و اختفاء

دارند باشد به این ترتیب قانون گذار آنگاه حیم دانسته است.

عناصر حیم ۱) فعل مرتکب؛ این نوع همکاران عبارت است از مخفی کردن یا سبب اختفاء

کردن جاسوس. منظور از مخفی کردن یعنی اینکه مرتکب مکان و محل تهیه کند که افراد جاسوس

مخفی شوند یا اینکه تریبی اتخاذ کند البته به طور غیر مستقیم، به صورت دستور دادن به دیگران،

تتمیع کردن دیگران و اولاً وادار به همکاران با عناصر جاسوس کردن.

مغض کردن ممکن است عناوین مختلف به خود بگیرد مثل تهیه کردن زیر زمین، غار، کلبه، خانه جنگلی

به گونه‌ای که عرفاً بتوان به آن مغض گاه گفت. پس مغض گاه باید متعلق به یک مکان باشد و موجب
بغض شدن شود.

(۲) شخصیت مغض شده، شخص مغض شده باید جاسوس باشد و نه غیر از آنها بدین ترتیب اگر

شخصی اقدام به مغض کردن افراد کند خارج می‌اند و بدون مجوز وارد کشور شده اند ولی جاسوس

نباشند مشمول این ماده نخواهد شد. باید توسط دادگاه جاسوس بودن این اشخاص ثابت شود.

(۳) عنصر روانی (معنوی) : از این لحاظ شخص باید جاسوس را بشناسد و از روی اراده

و اختیار و آزدی کامل اقدام به مغض کردن او نموده باشد. هم چنین قانونگذار یک شرط دیگر

هم قائل شده و آن عقیده و انگیزه شخص مجرم مبنی بر اینکه مغض گشته به قصد برهم زدن

امنیت کشور و یا کمک به دشمن اقدام به این کار کرده باشد. بدین ترتیب اگر شخصی بدون

اطلاع از هویت شخص جاسوس و یا از روی انسانیت یک شخص جاسوس را برادر در میان

به خانه خود ببرد تا بگوید یا بد معبر نیست.

تبصره ماده ۵۰۵ ق.م.ا: تحت عنوان معرفی کردن جاسوس

این تبصره شامل مواردی است که شخصی مرتکب عمل معرفی افراد جاسوس علیه
امنیت کشور به کشورهای بیگانه است بدین ترتیب کشورهای بیگانه از افراد معرفی شده مطلع
گردد.

عناصر تشکیل دهنده جرم: (۱) شامل شناسایی و جذب و معرفی افراد به کشور که آن

کشور از جمله کشورهای باشد که با ایران روابط خصمانه داشته باشند و هم چنین به کشورهای بیگانه.

در قانون متطور از جرم یعنی دشمن (در لغتین)، در ماده ۲۵ ق مجازات نیرو مسلح تعریف

دشمن شده است؛ منظور از دشمن عبارت است از اشخاص یا گروه‌ها یا دولت‌ها یا نظام

جمهوری اسلامی ایران در حال جنگ بوده و یا قصد براندازی آن را دارند و یا اقدامات آنرا

به قصد برهم زدن امنیت ملی است.

در این تعریف دشمن مفهوم وسیعی به خود گرفته یعنی هم شامل کشورهای در حال جنگ

من شود و هم کشورهای که در حال جنگ نیستند.

به نظر من رود که بیگانه بکار من برد بهتر بود چون ممکن است کشور در صورت بازرسی جاسوس کند
بدین ترتیب افرادی که معرفی می شوند باید برابر جاسوسی من باشند.

داد مبحث هدایت علیّه امنیت از قانون مجازات جرایم نیروها مسلح فوآنده

نور هم چنین مواد ۴۴ و ۴۵ این قانون -

Subject :

Date _____

م ۱۸۳ ق ۱۰ م ۱۰ این مجرم کیس از جرائم مستوجب حدود معسوب و به همین خاطر در مجتحد حدود آمده و امروزه به عنوان کیس از جرائم علیه امنیت معسوب می شود و قانونگذار جرائم جدیدی را که به قصد مبارزه با امنیت و سقوط حکومت انجام بگیرد به عنوان معاربه قابل مجازات دانسته است و به این ترتیب قلمرو معاربه را اقتدایش داده و باعث شده با قوانین زیادتر که برابر این جرائم در نظر گرفته شده اند مواجه شویم. این ماده دارای منشاء فقهی است.

عناصر تشکیل دهنده مجرم:

۱) فعل مادی: که مشتمل بر دست به اسلحه بردن (استفاده از اسلحه) می باشد. بدین ترتیب دست به اسلحه بردن مشتمل بر این است که شخصی از اسلحه استفاده کند و آن را بکار گیرد که این استفاده باید متعارف باشد و در ارتباط با مفهوم اسلحه قانونگذار در تبصره ۳ گفته بین سلاح سرد و گرم تفاوتی نیست.

اسلحه: در قانون تعریف نشده ولی تعریف کلی: به وسایلی گفته می شود که برابر جنگ و مبارزه ساخته و بکار می روند و به این منظور باید به قانون مجازات سلاحها جنگی مر (حجت کرد که به موجب آن سلاحها جنگی به دو دسته سلاحها گرم و سلاحها سرد تقسیم می شوند

سلاحها گرم: سلاحها آتشین هستند که از باروت و مواد آتشی استفاده می کنند

سلاحها سرد، منحصراً به سرنیزه و کاردها رجعتی می‌باشند و به عبارت آتین نیستند مثل شمشیر^{خنجر}

آلت قتاله، اگر کسی که برار انجام بده ساخته نشده، با آن خبر من انجام شود و به عبارت شخصی

را بکشند آلت قتاله گویند، آلت قتاله نوعاً کشته است.

دست به اسلحه بردن (استفاده از اسلحه) به این معنا نیست که هتک به شلیک و استفاده از آن شود.

چرا که صرف عمل اسلحه نوعی استفاده از اسلحه و دارای معجزات است.

در فقه اصطلاحی به نام (تشهیر یعنی آشکار کردن) هست. (من تشهیر السلاح لا فاقه الناس

یعنی ظاهر کردن سلاح در اقطار عموم). اگر سلاح را ظاهر کنند معارب نیست و هم چنین در صورتی

که از روی نا توانی نتواند موجب هراس شود حتی اگر آن را به طور عموم بکشند باز هم معارب نیست. (تفسیر تبی ماده ۱۸۳ ق ۱۰۴)

۲) عنصر روانی؛ باید قصد و نیت مرتکب از کشتن اسلحه ایجاد رعب و هراس و سلب

آرامش از مردم باشد. و هدف از مردم در اینجا طبیعت عموم است و نه شخص و اشخاصی

مشخص. به این ترتیب اگر شخصی اسلحه خود را از روی عداوت و دشمنی و کینه شخصی به سوی یک

یا چند نفر مشخص بکشد معارب محسوب نمی‌شود.

هر جبری موجب اخلال در نظم می‌شود و این از آثار و ویژگی‌ها جرم است. منتهای در مورد معارب در عین حال که این ویژگی را دارد باید این ویژگی جزو عناصر جرم هم باشد یعنی اخلال البته شرایط مذکور از جانب جرم هستند و باید حقی وجود داشته باشد تا عمل معارب شناخته شود.

در امنیت علاوه بر ویژگی بودن برابر معاربه از ارکان اصلی این جرم می باشد.

مثلاً یک نفر اقدام به کشتار مردم می کند به قصد ایجاد ناامنی، یک نفر به قصد کشتن شخصی

خاص اقدام به عمل می کند هر دو در این عمل جرم و موجب اخلال در نظم عمومی است ولی فقط

اولی معاربه است چرا که هدف اقدام علیه امنیت و قصد ورز عناصر برپزه می باشد.

این موضوع بر عهده قاضی است که ثابت کند آیا مرتکب از اسلحه استفاده کرده یا نه و نیز اینکه

آیا هدف ورز عداوت و دشمنی با شخص خاصی بوده یا اینکه ایجاد اخلال و ناامنی در

جامعه بوده و می خوانند علیه امنیت و آسایش عمومی اقدام کند.

۱۸۵ ق.م.ا.

اشاره به سارق مسلح می کند، در شهر سرقت و در بیرون قطع الطريق (راهزنی) است.

در این ماده به دو عمل سرقت و راهزنی اشاره کرده است که شباهت زیادی به هم دارند

اما تفاوت آنها در این است که سرقت در شهرها انجام می شود اما راهزنی در بین شهرها

و در راهها صورت می گیرد. این دو عمل دارای یکسری شرایط هستند اولاً هر دو باید مسلحانه

باشند و در واقع باید ایجاد رعب و وحشت نمایند و در اینجا به نیت سارق توجه نشده و فقط به نتیجه

و پیامد عمل توجه شده است اگر سارق مسلح باشد ولی ایجاد رعب و وحشت نکند معاربه نیست

م ۱۸۴ ق.م.ا: عناصر تشکیل دهنده ماده:
 (۱) مرکب: وجود گروه یا جمعیت سازمان یافته، تعداد افراد برابر گروه عموماً باید بیش از ۲ نفر باشد. و شرایط و نشانه‌ها را دیگر که لازم برای گروه هست مانند مکان، اسامی، تجهیزات و غیره نداشته باشد.

(۲) فعل مرکب: قیام مسلحانه است. منظور مبارزه کردن، جنگ کردن است به این ترتیب قیام مسلحانه یک ترکیب اضافی است. وجود اسلحه باید ثابت شود. کیفیت مهم نیست.

(۳) مرکزیت این گروه هم باید باقی باشد و دارای وحدت سابق باشد. بنابراین اگر گروه از هم پاشیده شود و آن موقع یکی از این افراد به صورت تنهایی اقدام مسلحانه علیه امنیت انجام دهد مشمول این ماده نمی‌شود و ممکن است براساس ماده‌های دیگر محارب باشد.

کلیه هواداران و کسانی که عضو گروه نیستند اما از اهداف گروه آگاهند و نیز تلاش و اقدامات مؤثر در پیسبردن اهداف گروه دارند نیز محارب محسوب می‌شوند.

م ۱۸۷ ق ۱۰ م ۱: این حیم تحت عنوان میراندازس یا کودتا می باشد. مرتکب در این ماده شامل

فرد یا گروه است در این رابطه باید گفت که گروه باید حائز شرایط لازم برای تشکیل باشد مثل افراد

لازم، سازماندهی، مدیریت و... و نیز اینکه مرتکب باید گروه باشد.

فعل مرتکب، قانون گذار از عبارت طرح براندازس یاد کرده است منظور تدارک و برنامه ریزی

برای کودتا است. بنابراین در دادگاه ثابت شود دارا رتبه و سازماندهی برابر ارتقا ب حیم

بوده اند که بعضی از نمونه ها عینی مثل اسلحه، مواد منفجره و غیره.

هم چنین کسانی که از طریق در اختیار گذاشتن امکانات مالی و یا وسایل و اسباب کار و اسلحه

به کودتا چنانچه یا براندازان کمک می کنند هم مشمول این عنوان می شوند.

جلسه دهم

جعل و تزویر:

این جرائم برخلاف جرائم علیه اهمیت که هدف مرتکب مبارزه با حکومت می باشد و هم چنین برخلاف جرائم

علیه اشخاص، دارای انگیزه عمومی و بیشتر جنبه مالی و سودجویی دارد. در این جرائم آثار و زیانهای ناشی از

برم متوجه اجتماع است. بدین توجه به نوع حکومت. (مثل جعل سند، جعل اسکناس، جعل سکه و...)

به و تزویر سکه: این جرم تحت عنوان تبییه سازس که و طلا مطرح است. ساختن و تهیه سکه

هم از سکه های طلا، نقره و یا سکه های غیر طلا و نقره که در انحصار دولت است و فقط

دولت توسط مقامات ذی صلاح، اجازه ضرب سکه دارد و غیر از آن هیچ کس مجاز به تهیه

سکه نیست. منظور از ضرب عمل تهیه سکه می باشد که شامل ذوب فلزات و ترکیب آنها و یا تهیه آلیاژ جهت تولید سکه و حکاکی نقش و نگار بر روی سکه می باشد که این عمل توسط دستگاه‌ها مخصوص و به واسطه فشاری رس انجام می شود. ارتقاب این جرم چگون موجب اختلال در نظم پولی و بانکی کشور می شود مستوجب مجازات می باشد.

ماده ۱۸۸ ق.م.ا. عنایه ماده (الف) عنصر مادی: (۱) فعل مرکب (۲) موضوع جرم

فعل مرکب: عبارت انداز سببه ساز یا ساختن سببه که ها طلا و نقره یا وارو کردن این گونه که ها

یا خرید و فروش آنها یا ترویج آنها.

- ساختن: مرکب با استفاده از دستگاه‌ها مکانیک اقدام به تولید سکه کند. امروزه ساخت سکه و ضرب سکه هم مفهوم بوده و در انحصار دولت می باشد و هیچ کس حق ندارد که بدون مجوز سکه بسازد.

- وارو کردن: منظور حالتی است که سکه تقلبی در خارج از ایران ساخته می شود و شخصی غیر از سازنده سکه تقلبی آن سکه ها را وارو ایران می کند. در فعل وارو کردن شخص باید با آگاهی از تقلبی بودن سکه آن را وارو ایران کند در صورت جهل به تقلبی بودن مجرم نیست.

- خرید و فروش: این عمل را معمولاً صرفاً انجام می دهند و منظور این است که ها مثل طلا خرید و فروش شوند.

ترویج سکه تقلبی: منظور از ترویج استفاده عقلایی از سکه می باشد یعنی اینکه از سکه استفاده های مطلوب و اختصاصی شود، مثلاً که به عنوان نشانی کالا اختصاص یابد، بعنوان وثیقه دین قرار گیرد و به اصطلاح در جریان بیفتد. اقدامات غیر متعارف از سکه ترویج محسوب نمی شود مثلاً به بار تفریح استفاده شود. سکه باید در موارد اقتصاد استفاده شود. باید توجه داشت که این فعل هم باید از روی آگاهی باشد تا مصداق فعل مجرمانه قرار گیرد.

- موضوع جرم: به سکه ها طلا و نقره داخلی و خارجی اشاره می کند و فرقی نمی کند که این سکه ها ایرانی

باشند یا خارجی

۱) عنصر روانی: قانونگذار برابر افعال مرکب حالتها را در نظر گرفته؛ افعال وارد کردن سکه به کشور، خرید و فروش سکه و ترویج سکه تقلبی به علم و اطلاع مرکب به تقلبی بودن سکه نیاز دارد یعنی این افعال در صورتی جرم است که مرکب با وجود علم و اطلاع به تقلبی بودن سکه اقدام به انجام شاخ می کند. اما در مورد ساختن ضرورت ندارد این قید اهدا از خود زیرا کسی که سکه را به طور غیر قانونی می سازد فرقی ندارد با آن کسی که با آگاهی و اطلاع اقدام به این عمل می کند.

شبهت: بدار تحقق بینه نازم نیست سکه تقلبی از هر حیث شبیه به سکه اصل باشد، طوریکه فقط کارشناس سکه قادر به تشخیص سکه ها از هم باشد بلکه شبهت نسبی که هر فرد عاقل را در وادار امر به اشتباه انداخته و موجب شود سکه تقلبی را به جای سکه اصل بپذیرد لغایت می کند. پس ملاک در تشخیص شبهت افراد عاقل است.

ماده ۵۱۹ ق.م.ا.ت تحت عنوان کاستن از سکه ها را اصل:

۱) فعل مرکب: عبارت انداز کاستن یا کم کردن که در قانون به عنوان (بفاهد) یاد شده و

ناظر به حالتی است که عمل بوسیله دستگاهها رزوب فلز و مکانیکی انجام می شود و توسط این

دستگاهها قسمتی از سکه ها را اصل را جدا می کنند و به جای آن فلز بی ارزش دیگر قرار می دهد

به گونه ای که مشخص نباشد و این عمل را به قصد تقلب و بودجه ای انجام دهد. قانونگذار در

ارتباط با شیوه کاستن از قید (به هر نحو) استفاده کرده ولی به صورت تمثیلی بعضی از

روشها را کاستن نامیده اشاره قرار داده است که به کلماتی از قبیل (تراشیدن و بریدن)

و نظایر آنها اشاره کرده است. هم چنین کسانی که این قبیل سکه ها را با علم به

کاستن از مقدار آنها ترویج نماید یا وارو کشور نماید معبرم شناخته است.

در رابطه با فعل کاستن باید گفت که اگر که مورد نظر قانونگذار من باشد که اصل است نه تقلبی.

(۲) موضوع جرم: که هار طلا و نقره داخلی و خارجی که اصل باشند پس اگر کاستن

بر رویه که اگر که تقلبی است صورت گیرد مصداق جرم کاستن نبوده و جرم ساختن صورت گرفته.

(۳) عنصر معنوی (روانی): در مورد وارو کردن و ترویج که هار مورد نظر مرتکب باید

علم و اطلاع داشته باشد به اینکه از که اصل کاسته شده است اما در مورد خود عمل کاستن

و کم کردن لازم نیست و علم و عمد و اطلاع مفروض است. در مورد عمل کاستن باید شخص

به نیت تقلب اقدام به عمل کرده باشد بنابراین اگر کاستن به منظور آزمایش و برابر تزیین باشد

و در عمل تقلب نیت اقدام کننده نباشد جرم نیست.

م ۵۲۰ ق.م.ا: عناصر ماده ۱۱ فعل مرتکب (۲) موضوع جرم (۳) عنصر روانی

(۱) فعل مرتکب: شبیه سازن و یا ساختن شبیه که، وارو کردن خودی که، ترویج که

خرید و فروش که: این افعال قبلاً توضیح داده شده است.

(۲) موضوع جرم: عبارت است از که هار رایج غیر از طلا و نقره اعم از خارجی و

داخلی. یعنی این که‌ها باید غیر از طلا و نقره باشند و نیز رایج باشند. منظور از رایج

بودن این است که مورد داد و ستد و استفاده تجاری و اقتصاد باشد

۲) عنصر روانی: در مورد وار کتبه، فروشنده و ترویج کتبه باید به غیر واقعی بودن

که‌ها عالم و آگاه باشند اما در مورد سازنده علم اولاً لازم نیست اثبات شود چون

در اینجا علم سازنده مفروض است.

مواد ۵۲۱ و ۵۲۲ ق.م.ا. خوانده شوند.

جعل یک جرم علیه آکایش و تقیم عموم است که قانونگذار در قانون پیش بینی کرده است و در مواد پرالذمه به تعیین مجازاتها برای آن با توجه به آن جنین که مورد جعل واقع شده ممکن است تشدید و تخفیف باشد. باید توجه کرد که قانونگذار جعل را تعریف

نگرده و فقط درباره امواد (ماده ۵۲۳ ق.م.ا.) مصداق عینی جعل را نام برده

که این مصداق تمثیلی بوده و فقط از باب راهنمای و متابعت پیش بینی نگه اند

علت عدم تعریف صریح از جعل توسط قانونگذار آن است که جعل به شیوه ها و

روشهای نوین و جدید و با توسل به اقداماتی پیشرفته صورت می گیرد که ممکن

است در تعریف صورت نگیرند و همین امر باعث عدم تخصص و قرار داد آنها و

هم چنین پیش بینی آنها شده است. جعل یک جرم پیچیده بوده و مرکب از آن دارار

تخصص و مهارت خاصی اند و این افراد قادر هستند که حقیقت را در نوشته ها و اسناد

تعریف نمایند.

— جعل عبارت است از اینکه جاعل با استفاده از یک سند اعم از

رسس یا عادی حقیقت را تعریف نماید و این عمل به بی اعتباری اسناد منتهی خواهد شد

و به همین جهت علت جرم انگاری جعل از حیث آثار منفی آن بد اعتبار اسناد و نوشته جات

و مدارک می باشد که موجب اخلال در امور اقتصادی و اجتماعی شده و این برخلاف
مصلحت عموم و اجتماع محسوب می شود.

م ۵۲۳ ق ۱۰ م ۱۰:

عناصر ماده: ۱) فعل ماضی جعل؛ یکی از اركان تخصصی جرم جعل است.

۲) موضوع جعل ۳) عنصر تقلب ۴) عنصر ضرر

۱) فعل ماضی جعل؛ در ماده به سه شکل است: الف) ساختن ب) تغییر دادن محتوای

سند ج) بکار بردن مهر دیگر بدون اجازه صاحب آن

ساختن؛ بارزترین و شایع ترین جعل، ساختن یک سند است. این جعل ساختن است.

معمولاً حقوقدانان معتقدند که منظور از جعل این است که نویسنده متضمن یک دروغ باشد

یعنی محتوای آن صحیح و درست نباشد.

ساختن اسناد چه رسمی و چه عادی جعل محسوب است - منظور از ساختن این است

که جعل اقدام به تهیه و تولید سند برخلاف حقیقت نماید.

- اگر در مورد امانت که برابر عموم مشغول و معلوم هستند و شکل و ابعاد نزد برابر هم معنی باشد جعلی صورت گیرد آن ندر جعلی باید تسمیه ندر اصیل باشد (مثل گواهی نامه که شکل و ابعاد آن برابر هر مشغول است) ولی اگر ندری یا امضایی برابر همگان مشغول نباشد جعل آن نیاز ندارد به اینکه کاملاً تسمیه ندر اصیل باشد و همین مقدار که برابر پیوسته ثابت خود این ندر اصیل است کفایت می کند.

فرب ده
یکی از آثار جعل، فرب و تعریف حقیقت است پس باید در لار و لارگ های باقی که مردم را تغییرات به موارد گفته می شود که جعل اقدام به تعریفات در ندر اصیل می کند،

یعنی ندری حقیقی و اصلی و مطابق با قانون وجود دارد و جعل اقدام به تغییر معنویات ندر می کند. در اینجا حقیقت بومیه دخل و تصرف غیر قانونی تغییر پیدا کرده است مثل فدا شدن.

بکار بردن مهر دیگری؛ در اینجا جعل مُهر صحیح دیگری را بدون اجازه و در پای ندری منقوش کند و بعداً کاسف به عمل می آید که صاحب امضاء اجازه نداده و استفاده از مهر و بیرون اجازه بوده است.

انواع جعل :

۱) جعل مادی (عینی) : به جعلی گفته می شود که جعلی بدوین اینک صلاحیت در تنظیم کند را داشته باشد اقدام به ساختن کند و یا تغییر داد. معنوی است و تعریف حقیقت می کند و این اقدام در آثار و نمود بیرون و ظاهرین است و قابل مشاهده است. این جعل را خود جعل انجام می دهد.

۲) جعل مفاد (معنوی) : به جعلی گفته می شود که تغییر و تعریف کند و حقیقت به صورت مستند و پنهان است. به عبارتی معنویات صحیح و حقیقت تعریف نشده، منتها کند ایجاد شده متعلق به دارند نیست. این نوع جعل توسط مأمور صلاحیت دار (مأمور دولت) صورت می گیرد.

۲) موضوع جعل : اسناد نوشته جات، و از این قبیل

۳) عنصر تقلب : به سوء نیت و قصد مرتکب مربوط می شود که بر اساس آن مرتکب به قصد تقلب و سوء نیت اقدام به تعریف کرده باشد.

۴) عنصر ضرر : (ضرر اجتماعی و ضرر مادی) : اجتماعی به آسیب و زیان گفته می شود که متوجه جامعه می شود. ضرر مادی به خسارتها و زیانهای مادی ناشی از جعل گویند.